

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۲۱ جنوری ۲۰۱۲

نخستین درسها از دیوان "ارزشهای امریکائی"

شاشیدن بر اجساد و تجاوز بر اطفال

در جریان دو هفته اخیر پخش دو خبر از طریق منابع غربی به ارتباط بد رفتاری، توهین و تجاوز سربازان اشغالگر در افغانستان، یکی از نکاتی بود که بیشترین توجه رسانه ها را به خود جلب نموده، عده زیادی از قلم به داستان افغانستان به ارتباط آن نکات روشنگرانه ای بیان داشته و سیاست مداران نیز به شکلی از اشکال به ارتباط آن موضع گرفتند.

تا جایی که این قلم وقت داشته و به نشرات دور و نزدیک نظر انداخته ام، شاید بتوان روشنترین موضعگیری و کاملترین معلومات را در نوشته های ۳ تن از همکاران پورتال، استاد سخن جناب دیپلوم انجنیر معروفی صاحب، جناب داکتر صاحب "عزیز" دو تن از متصدیان پورتال و آقای "شیری" یک تن از همکاران قلمی آن یافت، به یقین در صورتی که آن نوشته ها وجود نمی داشت، این مؤجز حجم بیشتر می یافت.

آنچه از نظر من می تواند مطرح بحث قرار گیرد، نخست منابع نشر آن فجایع است و در ثانی هدف از نشر آنها. به ارتباط منابع نشر و ارسال آن اسناد به یوتوب، با در نظر داشت آن که از درون قطعات نظامی بیرون شده نمی توان از سه حدس و گمان پا را فرا تر گذاشت.

نخستین حدس و گمان که در ذات خود می تواند اندکی خوشبینانه نیز تلقی گردد آن است که در درون ماشین های جنایت و کشتار امپریالیزم امریکا و برتانیای، هنوز هم می تواند انسانهای شریفی وجود داشته باشد که نمی توانند بیش از این چشم خویش را بر آنچه در افغانستان اتفاق می افتد، بسته و از افشای جنایات خود داری بورزند. بدان معنا که افراد فرستنده ویدیو ها انسانهایی اند با وجدانی بهتر از دیگران و آگاهانه بدین امر دست یازیده اند تا با افشای آن جنایات، عمق فاجعه را به جهانیان نشان داده بدان و سیله از تکرار آن در آینده جلوگیری نمایند.

چنین حدسی با آن که از لحاظ تئوریک و بالقوه نمی تواند منتفی باشد، مگر با در نظر داشت فلتر های متعددی که اینک امپریالیزم جهت اعزام افراد به افغانستان به کار می برد، از در صد عملی کمتری می تواند برخوردار باشد.

چه در صورتی که چنین امری یعنی افشای اسرار نظامی و عملکرد سربازان، بدون اجازه مقامات صورت پذیرفته باشد، اولاً از همزمانی کامل بین امریکا و برتانیا نمی توانست برخوردار باشد و در ثانی چیزی نیست که لشکر های متجاوز بتوانند به سادگی از کنار آن عبور نموده در اندک زمانی با در نظر داشت حلقه محدود مطلعان، طرف را سرکوب نموده و سوراخ را مسدود نسازند.

دومین حدس و گمان می تواند همین آن باشد که کسانی و یا نهاد هائی در امریکا و برتانیا، که از نفوذ قابل ملاحظه ای در تمام واحد های ارتشی نیروهای اشغالگر برخوردار هستند، با روند فعلی معانقه و معاشقه بین امپریالیزم جنایت گستر امریکا و طالب مخالف و یا قسماً ناراض می باشند.

در نتیجه خواسته اند با پخش آن اسناد، مبارزات درونی خویش به سطح کشانیده و با استفاده از پخش آنها روند معانقه بین طالب و امپریالیزم جنایت گستر امریکا را به بحران مواجه بسازند.

تلاشهای استخبارات المان در زمینه ایجاد چنان رابطه ای- طی مقاله جداگانه ای به این بحث خواهم پرداخت- و میزبانی قطر یکی از عشرتکده های امپریالیزم جنایت گستر امریکا در خاور میانه، می تواند دلیلی باشد برای "م. آی. ۶" برتانیا و "آی. اس. آی" پاکستان تا آگاهانه به چنین امری مبادرت ورزیده باشند.

هرگاه قرار باشد از این منظر به قضایا نگرسته شود، به جرأت می توان نوشت؛ باید منتظر افشاء گری های بعدی نیز ماند. چه در صورتی که آن دو نیرو که بدون آنها از حاشیه ماندن خودشان در قضایا راضی نیستند، واقعاً به چنین عملی دست زده باشند به یقین باز هم بدان تشبیه ورزیده و حتا جهت مقابله با آن پا را فرا تر از آن هم خواهند گذاشت. مثلاً در گام نخست نابودی یکی از نزدیکان ملا عمر جهت تحریک وی و به دنبال آن کشتن خودش تا جلو روند قطر را سد نموده بتوانند، نیز نمی تواند محتمل نباشد.

و اما سومین حدس و گمان که از دید این قلم می تواند از درصد بالاتری برخوردار باشد، آن است که مقامات امریکا و برتانیا خود آگاهانه به نشر آن دو ویدیو اجازه داده باشند تا از آن طریق میزان آمادگی طرف مقابل را در روند مذاکرات حاضر استمزاج نموده باشند.

به عبارت دیگر امپریالیزم جنایت گستر امریکا و شریک تمام جنایاتش امپریالیزم برتانیا، آن ویدیو ها را آگاهانه و با در نظر داشت نکات آتی به نشر رسانیده باشند.

۱- با پخش آن ویدیو ها شدت علاقه طالب و حزب اسلامی را در رفتن پای میز مذاکرات قطر استمزاج نمایند تا بر مبنای آن استمزاج و مشاهده عکس العمل آنها، چگونگی برخورد شان را روی میز مذاکرات عیار ساخته در داد و ستد بیشتر بستانند تا چیزی بدهند.

۲- به جهانیان به خصوص به مردم عادی امریکا و اروپا بفهمانند که نباید از طالب بیش از این ترس داشته باشند، چه آنها طی مدت ده سال جنگ و کشتار در زیر بمبارانهای متواتر و سرکوب های خونین به تجربه دریافته اند که باید در رویارویی با اشغالگران برخورد "متمدنانه" نموده، و برای دفاع از جسد چند کشته و یا هم ناموس چند طفل سروصدا بلند نکنند.

۳- به طالب و گلبدین هم تفهیم نمایند که وقتی پای میز مذاکرات جهت رسیدن به قدرت و یا تقسیم قدرت حاضر می شوند، مسایل "کهنه" و از "مد گذشته" ای از قبیل "احترام و حرمت مردگان به خصوص جانبازان میهن را نگهداشتن"، "حفظ نوامیس ملی"، "ننگ و غیرت" و از این قبیل ارزش های "کهنه افغانی" را جدی نگرفته، حاضر باشند آن "ارزش های کهنه" را با آنچه استعمار به نام ارزش های خود تقدیم می دارد و نمونه ای از آن نوشته همکار ما آقای "شیری" نیز آمده بود؛ تعویض نمایند.

نباید فراموش کرد که اگر چنین باشد، باید در آینده ها در انتظار جنایات بیشتری از جانب اشغالگران ماند. و این درست همان کاریست که تاریخ استعمار در کل و به خصوص تاریخ جنایات ارتشهای برتانیای و امریکا در طول حیات نکتبار شان، بار ها آن را به نمایش گذاشته اند.

کوهواره جنایاتی که لااقل از ختم جنگ عمومی دوم بدین سو، یعنی طی مدت ۶۷ سال گذشته، حتا برای یک روز هم ماشینهای کشتار آنها از کار نمانده است. این مبالغه نیست و حتماً بعد از ختم کار شبنامه نویس مستند از این قلم خواهید خواند که ایالات متحده امریکا با ادامه ۶۷ سال جنگ متواتر در اقصا نقاط کره ارض، آنهم بدون یک روز انقطاع تنها رکورد دار اشغالگری و تجاوز در طول تاریخ در عرصه جهان می باشد.

آنها نه تنها با ۶ میلیون باشنده اصیل قاره جدید که حتا نام اصلی آن را نیز سفیدپوستان اروپایی از آن دزدیده و به گور سپرده اند، همین رویه را پیش گرفتند و با تجاوز به عنف بالای زنان سرخپوست نسلی از دو رگه هائی را بنیان گذاشتند که همه محصول تجاوز به عنف پدران شان بر مادران شان اند، بلکه در مواجهه با خیزش ظفرمند سایر خلقها، به خصوص خلقهای جنوب شرق آسیا و شرق دور نیز از عین سبعیت و توحش کار گرفته، هر قدر پایان عمر سلطه خونبار شان را نزدیکتر می دیدند به همان میزان بر خشونت ها و تجاوزات خویش افزایش به عمل می آوردند.

مگر در کنار ده ها تفاوت اساسی دیگر، یکی هم مقایسه ویتکنکها، خمر های سرخ و نیروهای کمونیستی منطقه با از گوربرخاستگان تاریخ "طالب" و تجسم ننگ و نفرت "گلبدین" می باشد، چه وقتی در کامبوج، لاوس و یا ویتنام اشغالگران امریکائی جنایات شان را تشدید می نمودند، بازوهای مسلح خلقها نیز، بر شدت عمل خویش افزوده به مفهوم واقعی کلمه دمار از روزگار اشغالگران می کشیدند، در حالی که اینک در افغانستان، هر دو نهاد به ظاهر مخالف و دشمن امریکا، نه تنها تا مغز استخوان موجودیت و دوام شان مدیون امپریالیزم اند، بلکه در قساوت و جنایت پیشگی به خصوص در کشتار مردم، کمترین تفاوتی با اشغالگران نداشته و هیچ نوع احساسی نسبت به آنچه در افغانستان می گذرد، ندارند.

یگانه محرک آنها در تقابل ظاهری شان با امپریالیزم که در زیر لوای اسلام پناهی صورت می گیرد، رسیدن خودشان به حاکمیت بوده و است، آنها در عمل ثابت ساخته اند که جهت رسیدن به چنان خواستی از ناموس مردم چه که حاضرند از ناموس مادرشان نیز بگذرند، مشروط بر آن که بقاء و دوام قدرت شان تضمین گردد. بر همین مینا می توانم به خود حق بدهم بنویسم:

اعمال شنیع سربازان امریکائی و برتانیائی، در موجودیت جنایتکاران و میهن فروشان طالبی و گلبدینی روز تا روز فزونی بیشتر یافته و تا زمانی ادامه خواهد یافت که مردم افغانستان خود سلاح برشانه نموده در جریان نبردی سخت، طولانی و نفسگیر برای اشغالگران و ایادی آنها، زنجیر های اسارت و بردگی امپریالیستی و ارتجاعی را از هم بدرند.

به امید چنان روزی.